

# خودشناسی معلم

یادگیری در اساس، موضوعی است که کل فرایند تربیت (آموزش) بر محور آن می‌چرخد

دکتر علی اکبر شعاری نژاد



اشاره

به‌طور قطع استاد بزرگوار دکتر شعاری نژاد نزد خوانندگان مجله‌ی شناخته شده است و مراتب فضل و دانش ایشان بر کسی پوشیده نیست. در دو سال گذشته، علاوه بر درج مقالاتی از ایشان در شماره‌های گوناگون، در شماره‌های ۸ دوره‌های یازدهم و دوازدهم نیز مطالبی درباره‌ی زندگی و آثار ایشان منتشر کردیم. دکتر شعاری نژاد قول داده است در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ و از همین شماره، هر بار با مقاله‌ای کوتاه، خوانندگان مجله را مهمان اندیشه‌های ناب خود کند. مقالات ضمن آن که حالت دنباله‌دار ندارند و هر یک به‌طور مستقل موضوع خاصی را مورد توجه قرار می‌دهند، از یک فضای عمومی تبعیت می‌کنند و آن مباحث فرهنگی در حوزه‌ی آموزش و پرورش است. نیز یادآوری می‌کنیم که ایشان در نگارش واژه‌ی آموزش و پرورش، به‌جای «و» از «ا» (خط تیره) استفاده می‌کنند و اعتقادشان بر این است که با این علامت، تعامل این دو بخش را بیش‌تر می‌توان نشان داد.

تربیت و تدریس شایسته یا مؤثر با شعار ممکن نیست، بلکه شعور

می‌خواهد و این یعنی:

- \* شناخت علمی انسان و انسانیت و هدف او
- \* شناخت و پذیرفتن خویشتن
- \* باور خویشتن و مردم و اعتماد به آن‌ها
- \* درک و فهم همه‌جانبه‌ی فرایندهای تربیت و تدریس
- \* پذیرش و باور کردن ضرورت آن دو
- \* برخورداری مربی از ویژگی‌های شخصیتی، علمی، هنری و حرفه‌ای
- \* پذیرفتن متریبان به‌عنوان انسان‌هایی شایسته و قابل اعتماد
- \* شناخت همه‌جانبه‌ی فرهنگ حاکم بر جامعه و جهان
- \* برخورداری از مهارت‌های تغییر یافتن و تغییر دادن رفتار
- \* برخورداری از مهارت‌های تشخیص مسائل واقعی روز و راه و روش‌های حل آن‌ها
- \* برخورداری از توان و مهارت مساعدسازی زمینه‌های یادگیری فعال و مؤثر
- \* شناخت درست خوب و بد یا خیر و شر در حوزه‌ی آموزش-پرورش و معیارهای فرهنگی آن‌ها در جهان امروز.
- افلاطون در «تمثیل غار» خود، آغاز هرگونه تربیت را برداشتن

در فرایند حیاتی و همگانی «تربیت» یا «آموزش - پرورش» زمینه‌ی اصلی کار معلم، صرفاً مطالعه و آموختن کتاب‌های روان‌شناسی و تربیتی نیست، بلکه باید مزرعه‌ی درونش را برای تخم‌افشانی آماده کند.

زنجیرهای نادانی و بی‌خردی از دست و پای آدمی و رها شدن از تقلید کورکورانه می‌داند. بدیهی است که چنین تربیتی، طبعاً از شخص مربی آغاز می‌شود؛ یعنی شخصاً خردمند و مبتکر بودن و به دنبال روش‌ها و راهبردهای آموزشی نوین بودن. به عبارت دیگر، تربیت و تدریس مبتنی بر خردمندی و خردورزی را می‌توان در چند ویژگی خلاصه کرد:

۱. خود را شناختن. یعنی محاسن و معایب یا جنبه‌های مثبت و منفی یا قوت‌ها و ضعف‌های خود را دریافتن و باور کردن. بدون این شناخت، اعتماد به نفس که شرط ضروری تربیت شایسته است، امکان ندارد.

۲. جامعه و جهان معاصر را شناختن. یعنی چگونه‌اند؟ چرا این‌گونه‌اند؟ چگونه باید می‌بودند یا می‌شدند؟ چرا این‌گونه نشدند یا نشده‌اند؟ از چه محاسن و معایبی برخوردارند؟ این داوری یا ارزیابی براساس چه معیارهایی انجام می‌گیرد؟ چرا؟ فرهنگ عام و خاص حاکم بر آن‌ها چگونه‌اند؟ چرا؟ مسائل و نیازهای واقعی امروز آن‌ها کدام‌اند؟ وضع علوم و معارف گوناگون مطرح در برنامه‌های درسی در جامعه‌ی امروز ما و جهان معاصر چگونه است؟ چگونه باید باشد؟ چرا؟

۳. فرهنگ تربیت (آموزش - پرورش) را شناختن. یعنی ماهیت این فرهنگ را در دنیای امروز به‌صورت تحلیلی دریافتن، حسن‌ها و عیب‌ها یا قوت‌ها و ضعف‌های آن را با معیارهای درست و علمی امروز ارزش‌یابی کردن، و مسائل و نیازهای واقعی امروز آن را درست تشخیص دادن و تحلیل و تبیین کردن.

۴. هنجارها و معیارهای آموزش - پرورش شایسته در جهان معاصر را به روش تحلیلی، شناختن و دریافتن و پذیرفتن و باور کردن.

۵. روش‌ها و راهبردهای ارتباطی و تعاملی آموزشی مؤثر در دنیای امروز را دقیقاً شناختن و در چگونگی درست و مؤثر به‌کاربردن آن‌ها در مراحل آموزشی گوناگون نظام آموزشی کشور مهارت داشتن.

۶. ماهیت و ضرورت «تقوا» را در دنیای امروز، خصوصاً در حوزه‌ی آموزش - پرورش، شناختن و باور کردن و خود «با تقوا» بودن و با «تقوا» عمل کردن یا زیستن؛ یعنی خود و دیگران را، آن‌چنان که هستند، نه آن‌چنان که باید می‌شدند یا باشند، پذیرفتن و باور کردن، مهرورزی و هم‌یاری را در مدارس و میان مردم (جامعه و جهان) گسترش دادن و تقویت کردن، ضرورت شادمان زیستن همگان را پذیرفتن و باور کردن و تشویق و تقویت آن در جامعه و جهان، و خود مظهر این‌گونه زیستن بودن؛ انسانیت را هدف غایی تلقی کردن؛ خداوند متعال را در همه‌ی موارد مذکور، شاهد و ناظر دانستن و باور کردن؛ ایمان صادق داشتن، به رضایت خداوند اولویت قائل بودن (تقوا).

۷. انتظارات خود از دیگران و انتظارات دیگران از خود را به روش تحلیلی و تبیینی شناختن و اولویت دقیق آن‌ها را دریافتن.

۸. ماهیت پژوهش در حوزه‌ی آموزش - پرورش را شناختن و پذیرفتن و باور کردن و شخصاً در حد امکان به آن پرداختن. و عشق و جرئت پژوهش را در دانش‌آموزان و دانشجویان رشد و گسترش دادن.

۹. ماهیت اخلاق و ضرورت امروزی آن در حوزه‌ی آموزش - پرورش را شناختن؛ معیارهای اخلاقی امروز جامعه و جهان را درست

دریافتن، و تحلیل و تبیین آن‌ها. و توجه داشتن به این نکته‌ی مهم که دین و اخلاق مطلوب، تفکیک‌ناپذیرند؛ و تقوای آموزشی داشتن، یعنی رعایت دقیق معیارهای آن‌ها در ارتباط و تعامل آموزشی. معلمی را «با تقوا» خوانند که عادل باشد و از دروغ‌گویی، تملق، سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، ناامید کردن دیگران و نفاق پرهیز کند و شاد باشد و شادی‌برانگیز، خصوصاً در محیط آموزشی، که شادی، عامل بسیار مؤثر در یادگیری مؤثر است. هم‌چنین، اخلاق و تربیت فرایندهایی تفکیک‌ناپذیرند، و همه‌ی معلمان ناگزیرند ماهیت و چگونگی این یگانگی را دریابند و باور کنند.

۱۰. تعهدات انسانی - اجتماعی خود را دقیقاً شناختن و آن‌ها را برای خود تعریف کردن و رعایت کردن. شخصیت حرفه‌ای و اخلاقی معلم را نمی‌توان از تعهدات انسانی، حرفه‌ای و اجتماعی او تفکیک کرد. با توجه دقیق و بی‌تعصب به این نکات، می‌توان به چگونگی تدوین برنامه‌های درسی مراکز تربیت معلم پی برد که:

- \* چه قدر حساس است؟
- \* چه قدر پر مسئولیت است؟
- \* چه قدر مستلزم اطلاعات و تجربه است؟
- \* چه قدر در حال و آینده پاس‌نویس یک جامعه حتی جهان مؤثر است؟
- \* چه کسانی باید این مهم را برعهده بگیرند؟
- \* چه شرایطی باید در مراکز تربیت معلم فراهم شوند؟
- \* روش‌ها و راهبردهای آموزش چگونه باید باشند؟
- \* از چه نوع فناوری آموزشی و چگونه باید استفاده شود؟
- \* وضع آمادگی دانشجویان این مراکز برای پرداختن به امر تربیت یا آموزش - پرورش در جهان امروز و فردا چگونه باید ارزش‌یابی شود؟
- \* استادان آن‌ها باید از چه اطلاعات و تجربه‌هایی برخوردار باشند؟
- \* شخصیت و فرهنگ ایشان چگونه باید باشند؟
- \* مدیر و مدیریت آن چگونه باید باشد؟
- \* چه فلسفه‌ی تربیتی باید بر ساختار آن‌ها حاکم باشد و چرا؟

در هر صورت، فراموش نکنیم که به گفته‌ی افلاطون «تربیت اخلاقی از راه اندرز، تذکر و تلقین تحقق نمی‌یابد. تربیت فکری نیز فقط با کار و فعالیت فکری، مواجهه با مسائل و ارائه‌ی راه‌حل میسر شود.»<sup>۱</sup>

معلمی، حرفه‌ای است بسیار پیچیده، دشوار و چندین‌بعدی؛ خصوصاً در جامعه و جهان امروز و فردا. پس این حرفه و متصدیان آن را بیابید. شاید معلمی تنها حرفه‌ای است کاملاً الهی / انسانی و پر مسئولیت. بنابراین، فرایند «تقوا» بیش از سایر حرفه‌ها مطرح است و باید باشد و نخستین گام «تقوا» پیشگی مطمئن، خودشناسی و خودپذیری است.

این هم توصیه‌ی کنفوسیوس اندیشه‌مند چینی:

اگر نیت یکساله داری، برنج بکار

اگر نیت دهساله داری، درخت بکار

اگر نیت صدساله داری، انسان تربیت کن.

بدیهی است که تربیت خویش براساس «خودشناسی»، مقدم بر تربیت دیگران است.

زیرنویس

۱. در این مورد، مطالعه‌ی مقاله‌ی بسیار مفید خانم دکتر روزین اعوانی در مجله‌ی «جستار»، شماره‌ی اول، پاییز ۱۳۸۷ توصیه می‌شود.